**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه اول**

**توضیح فرمایش صاحب فصول**

**بررسی پاسخ شیخ به فرمایش صاحب اصول**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه هفتادم\_11 اسفند 1398**

کلام در اشکال دومی بود که شیخنا الانصاری اعلی الله مقامه به مرحوم صاحب فصول داشتند، در اشکال اول نمی پذیریم که شارع غیر از طرق عقلائیه راه دیگری را برای رسیدن به احکام خودش جعل کرده باشد.

در اشکال دوم بر فرض تنزل از اشکال اول می گوییم اگر هم شارع چنین چیزی را نصب کرده باشد، الان آن منصوب در نظر شارع در دست ما نیست؛ چون احتمال می دهیم که آن منصوب یکی از این امور باشد:

الامر الاول؛ الخبر المفید للاطمئنان الفعلی بالصدور

با توجه به جمیع قرائن ما اعتماد و اطمینان به صدور پیدا کنیم این را شارع جعل کرده است

جواب: این یک زمانی ممکن بود راه باز باشد اما الان راه بسته است چون آن قرائنی که در زمان گذشته بوده است الان نیست.

الامر الثانی؛ بگوییم آنچه شارع نصب کرده است خبر عادل موثق است، شیعه موثق است یا خبر ثقه که ولو شیعه نباشد ولی وثاقتش قطعی باشد. چطور شما می توانید ادعا کنید قطعیت وثاقت این روات را.

الامر الثالث؛ بگوییم خبر عادل یا خبر ثقه که وثاقتش با بینه شرعیه ثابت شده باشد.

جواب اگر چنین چیزی داشتیم بله اما این هم نادر است چون بارها گفتیم شرائط شهادت این جا نیست.

الامر الرابع، خبر عادلی که یا خبر ثقه ایی که با شیاع وثاقتش ثابت شود. مگر ما چند نفر از روات داریم که وثاقتشان با شیاع عندنا ثابت شده باشد؟

بنابراین ممکن است آن طریق خبر عادل واقعی باشد، خبر مستفیض باشد، خبر عادل من غیر واسطه باشد، خبر عادل با بینه شرعیه باشد، خبر عادل با شیاع باشد، هیچ کدام از این ها در اثر عروض حوادث و سوانح الان در دست ما نیست. الان چه کنیم؟

قال الشیخ در رسائل:

و دعوی حجیه مثل ذلک بالإجماع ممنوعه بل المسلم أن الخبر المعدل بمثل هذا حجه بالاتفاق لکن قد عرفت سابقا عند تقریر الإجماع علی حجیه خبر الواحد أن مثل هذا الاتفاق العملی لا یجدی فی الکشف عن قول الحجه مع أن مثل هذا الخبر فی غایه القله خصوصا إذا انضم إلیه إفاده الظن الفعلی.

ممکن است کسی بگوید ما قبول داریم که وضع زمان ما با آن زمان متفاوت است ولی آن چه الان در دست ما هست، این اخبار موجوده است و ما اجماع داریم بر این که این اخبار موجوده حجت هستند و به این اجماع عمل می کنیم،

شیخ می فرماید ما در مباحث ادله حجیت خبر واحد اثبات کردیم اجماع قولی در مساله نیست. آن چه که هست، اتفاق عملی است و آن هم قدر متیقنی دارد و آن خبر واحد معدل به شهادت مثلا دو نفر است نه این گونه شهادت هایی که در کشی و نجاشی می بینید و فقط یک نفر. آن چه که هست خبر معدل به مثل این طریقی که گفتیم این حجت است و ان هم نه به اجماع قولی بلکه به اتفاق عملی.

عبارت را توجه کنید:

و دعوی حجیه مثل ذلک(این روایاتی که الان هست) بالإجماع(اجماع قولی که کاشف از رای معصوم باشد) ممنوعه ( ما در مباحث خبر واحد این اجماع را جواب دادیم از ان طرف هم اجماع هست بر عدم حجیت خبر واحد. ان چه که هست چیست؟ ان چه می توان ادعا کرد چیست؟ )بل المسلم أن الخبر المعدل بمثل هذا حجه بالاتفاق.

یعنی آنی که بینه شرعیه برش صادق باشد ان حجیت است ان هم نه اجماع قولی بلکه به اتفاق عملی.

حال مگر فرقی می کند اجماع قولی با اقفاق عملی؟ بله فرقش فرق بین قول و فعل است فرقش در این است که در قول اتفاق می گیریم اما در اتفاق عملی هرگز.

اجازه بدهید ابتدا مطلبی را که در این زمینه شیخ به انجا ارجاع داده است ان را بگویم بعد برمیگردیم اینجا در صفحه 348 و 349؛

الثالث از ادله ایی که برای اجماع بر حجیت خبر واحد اقامه شده است اینکه بگوییم حتی ان سید مرتضایی که منکر خبر واحد است تا چه رسد به دیگران در همین اخباری که در کتب روایی ما هست عمل کرده است.

ان جا شیخ جواب می دهد اولا چون مبانی متفاوت است ما باید فقط خبری را اخذ کنیم که همگان قبول دارند. اتفاق عملی معنایش قبول خبری است که همه با جمیع مبانی قبول دارند. از ان مهم تر ثانیا همان خبری که همه با جمیع مبانی قبول دارند وجه عملشان، وجه قبولشان برای ما معلوم باشد، اگر یک عده از مجمعین به خبری عمل می کنند به خبر زراره در مساله نماز جمعه مثلا به این جهت که متواتر است یا برخی به این جهت که ظن به صدور دارند و قطع به حجیت ظنشان ما در اینجا علم به صدور این روایت از این اجماع و اتفاق عملی وفعلی پیدا نمی کنیم به تبع این مجمعین چون خود این ها وجه رجوعشان به روایت برای ما معلوم نیست. فلابد فی الاتفاق العملی که علم داشته باشیم به اینکه به همین جهتی که ما می گوییم همه عمل کرده باشند و الا اگر حیثیات مختلف بود و ما احتمال خطا می دادیم هرگز.

این تمام شد. حال بر گردیم به به عبارت مورد بحث.

کسی به دفاع از صاحب فصول به شیخ عرض کرد جناب شیخ اجماع داریم بر اجماع این اخبار. شیخ می گوید اولا اجماع قولی نداریم ثانیا اگر هم چیزی باشد فقط اتفاق عملی است. آن هم آنی که همه قبول دارند حجیت خبر معدل به بینه شرعیه است. باید این باشد، این قدر متیقن است.

لکن قد عرفت سابقا عند تقریر الإجماع علی حجیه خبر الواحد أن مثل هذا الاتفاق العملی لا یجدی فی الکشف عن قول الحجه

تازه اولا اجماع و اتفاق قولی نیست، عملی است ثانیا معقد این اتفاق عملی حجیت خبر معدل به بینه شرعیه است ثالثا همان خبر معدل به بینه شرعیه باید بدانیم وجه عمل این ها چیست و الا اگر ندانیم فایده ایی ندارد. لا یجدی فی الکشف عن قول الحجه. رابعا اصلا وجود خبری که معدل به بینه شرعیه باشد، فی غایة القلة است.

مع أن مثل هذا الخبر فی غایه القله خصوصا إذا انضم إلیه إفاده الظن الفعلی

اضافه کنید بگویید باید علاوه بر ان که معدل بر تایید بینه شرعیه باشد باید افاده ظن شخصی هم بکند این که می شود در نهایت نهایت ندرت. این چه طریقی شد؟

این اشکال دوم.

حال به بیان بنده: آقای صاحب فصول نصب طریق وقتی به درد می خورد که قابل طی شدن برای امثال ما در زمان غیبت باشد. اگر هم شارع طریقی را نصب کرده است الان بر اثر وجود شرائط زمان غیبت ان طریق در دست ما نیست و اجماعی هم بر حجیت اخبار موجوده قولیا نداریم. اتفاق عملی هم اگر باشد با انچه گفتیم قابل مناقشه است.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.